

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ولادیمیر پراخواتیلوف (VLADIMIR PROKHVATILOV)

برگردان از: ا. م. شیر

۱۵ سپتمبر ۲۰۲۱

اسرار افغانستان



از تجزیه مراکز قدرت موجود تا نظم نوین جهانی

خروج شتابزده نیروهای امریکائی از افغانستان، سقوط آنی رژیم امریکائی، سلسله انفجارها در میدان هوائی کابل حلقه‌های به هم پیوسته یک زنجیره واحد عملیات ایجاد هرج و مرج در فضای مناطق پر تنش جغرافیای سیاسی هستند. لازم به یاد آوری است، که افغانستان با چین، هند (جامو و کشمیر)، پاکستان، ایران و همچنین سه جمهوری آسیای میانه اتحاد شوروی سابق هم‌مرز است.



رسانه‌های امریکائی انفجارهای میدان هوائی کابل را با مرگ عجیب کریس استیونس، سفیر امریکا در بنغازی لیبیا در ۱۱ سپتمبر ۲۰۱۲ مورد مقایسه قرار دادند. مرگ سفیر را با خروج امریکائی‌ها از لیبیا خلاف «خواست» «بازها» توضیح دادند. در آن زمان، هیلری کلینتن، وزیر خارجه وقت امریکا در رأس «بازها» قرار داشت. تاریخ هشت سال بعد، هنگامی تکرار شد که فرد کاگان، معمار استراتژی نظامی ایالات متحده امریکا در عراق، سردبیر پورتال «تهدیدهای انتقادی- Critical Threats» (سخنگوی اطلاعات نظامی)، با عصبانیت خواستار «تمدید مأموریت در افغانستان» شد. پس از انفجارها در میدان هوائی کابل، صدای کسانی که مایل به ادامه جنگ تا پیروزی نهائی بودند، خاموش شد.



درک این که چرا خروج نیروهای امریکائی از افغانستان با چنین تلفات زیاد همراه شد، دشوار است. می‌توان فرض را بر این گذاشت که «اثر تلفات» باید باعث تغییر مرکز ثقل عملیات‌های امریکا در این منطقه از نیروهای امریکائی به نیروهای «نیابتی» شده است. پاکستان یکی از بازیگران برنده در به قدرت رسیدن طالبان است (طالبان در فدراسیون روسیه ممنوع است). روزنامه هندو [روزنامه انگلیسی زبان هند] می‌نویسد:



«تصرف کابل توسط طالبان را می‌توان موفقیت ستراتیژی بلند مدت نخبگان نظامی پاکستان دانست». به باور این روزنامه، هدف پاکستان عبارت است از نظارت بر «عمق ستراتیژیک» از خط موسوم به خط دیورند در افغانستان تا «فضای اسلامی» در ایالت جامو و کشمیر هند. این روزنامه هندی در ادامه می‌نویسد: «ارتش و سازمان اطلاعات نظامی پاکستان (ISI) طالبان را به یک نیروی

نظامی کارآمد تبدیل کرده‌اند». لازم به ذکر است که درست یک روز پس از ورود طالبان به کابل، عمران خان، نخست وزیر پاکستان گفت: «از افغان‌هایی که غل و زنجیر برده‌داری را پاره می‌کنند، استقبال می‌کند».



ترکیه و قطر نیز دو منتفع دیگر از به قدرت رسیدن طالبان هستند. اکنون نیروهای شرکت نظامی خصوصی ترکیه مسئولیت تأمین امنیت میدان هوایی کابل را بر عهده خواهند گرفت. هیچ ارتش خارجی دیگری در خاک افغانستان حضور نخواهد داشت. این فرودگاه توسط ترکیه و قطر اداره خواهد شد.

رابرت دی کاپلان، روزنامه‌نگار مشهور امریکائی، نویسنده کتاب‌های «انتقام جغرافیا» و «بادهای موسمی»، خروج ایالات متحده از افغانستان را با این ادعا توجیه می‌کند، که آنچه در آنجا اتفاق افتاد، از نظر ژئوپلیتیک اهمیت چندانی ندارد. کاپلان استدلال می‌کند که «اکنون ایالات متحده به طرز قابل اعتمادی بر عرصه ژئوپلیتیک نظارت می‌کند، مهم نیست که چین و دیگران چه می‌گویند و چه می‌کنند».

با این حال، جف هادسون، که زمانی ریاست شعبه افغانستان آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده امریکا را بر عهده داشت، به خطر تصرف افغانستان، یعنی مرکز تاریخی منطقه تاریخی خراسان بزرگ توسط طالبان اشاره می‌کند (خراسان بزرگ شامل بخش‌هایی از سرزمین‌های ایران، افغانستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان می‌باشد).



چندین سال است که شبه‌نظامیان «ولایت خراسان» ممنوع در روسیه، به ایجاد مرکز «خلافت اسلامی جهانی» در آنجا مشغول هستند.

هادسون می‌نویسد، که با بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، مرحله خطرناک‌تری از مناقشات منطقه‌ای آغاز می‌شود. زیرا، طالبان امروز «پس از ۲۰ سال مبارزه، نسبت به یک نسل قبل خود خشمگین‌تر، خشن‌تر، متعصب‌تر و با تجربه‌تر شده‌اند...». او پیش‌بینی می‌کند که جهاد به شش همسایه افغانستان (خراسان بزرگ تاریخی) «از ایران تا قرقیزستان» گسترش یابد.

سرلشکر گرشون هاكوتن، عضو ارشد مركز مطالعات ستراتيژيك بگين- سادات اسرائيل در جنب دانشگاه بار ايلان تأكيد مي‌كند، كه «پيروزي طالبان، پيروزي عقیده است» و مي‌تواند الهام‌بخش اسلام‌گرايان در سراسر جهان باشد. او مي‌نويسد: «اين رويداد خون تازه‌اي در رگ‌هاي جهاد جاري مي‌كند و نتايج آن در همه جا قابل مشاهده است».

مارتين ون كرولد، تحليلگر نظامي اسرائيلي معتقد است، كه در شرايط برآمد جنبش‌هاي مذهبي افراطي، اقدام نظامي مستقيم عليه چنين شبه‌نظاميان بي‌تأثير است. وي در مقاله خود تحت عنوان «كشتن شبه‌نظاميان، چرخ دنده ضامن‌دار داروين را رها مي‌كند و مؤثرتر مي‌سازد»، تكامل جهاد اسلامي را با فرايندهاي تكاملي طبيعت زنده قياس مي‌كند.

چرخ دنده ضامن‌دار داروين (چرخ دندانه‌دار، كه فقط در يك جهت مي‌چرخد) به تعبير وان كرولد، سازوكار توليد مثل بي‌رويه جنگجويان را راه‌اندازي مي‌كند؛ جاي جان‌باختگان متعصب را هزاران نفر جديد مي‌گيرد.

لازم به ذكر است، كه هراچيا آرزومانيان، تحليلگر نظامي ارمني، تمام اين فرايندها را، يعني جهاد و «پاندمي» را دو تيغه يك قیچی «ستراتیژی بزرگ غرب» ارزيابي مي‌كند. او مي‌نويسد: «جهادگران و جهاد قرن ۲۱، ابزارهاي نامنظم جهاني براي طراحي مراكز قدرت هستند. آن‌ها نه يك ابزار جراحي، بلكه يك ابزار «كشتار جمعي» مؤثرتر از سلاح هسته‌اي هستند و هدف، واسازي تعدادي از مراكز قدرت موجود و ايجاد نظم جهاني جديد مي‌باشد. از اين نظر، جهاد به عنوان مكمل كوويد، يكي ديگر از ابزارهاي نامنظم كشتار جمعي در قرن ۲۱ است.

پي‌نوشت:

در رابطه با وقايع اخير افغانستان، به نظر مي‌رسد هر كسي بايد به پرسش‌هاي زير پاسخ بجويد:

۱- مسأله تغيير طالبان (موضوع بحث بسياري‌ها)، كه حتي قبل از تصرف كابل توسط طالبان و بدون اين كه به هيچ اقدام سياسي يا اجتماعي دست بزند، توسط کدام مركز يا بنگاه خبري مطرح شد؟ چرا و با چه هدفی ديگران آن را پي گرفتند؟

۲- در حالي كه امريكا و بيش از ۵۰ متحد ناتوي و غيرناتويي آن علاوه بر اين كه در مدت ۲۰ سال اشغال افغانستان با هيچ مقاومت جدی مواجه نشدند يا درگير هيچ جنگ جبهه‌اي نشدند و با طالبان همواره در تماس و در حال مذاكره بودند، چرا و بر چه اساسي خروج خودخواسته نيروهاي امريكائي از افغانستان، بلافاصله شكست و فرار امريكا تعريف شد؟ شكست در مقابل کدام نيروي مقاومت و در کدام جبهه جنگ؟ حتي سخي‌تر از اين، برخي‌هاي سقوط كابل را برابر با سقوط سايگون دانستند. يعني، تلاش كردند مذاكره و توافق طالبان و امريكا را هم‌تراز با نيوردهاي بي‌امان و بيمين‌ها و ارتش آزاديبخش ويتنام جنوبي عليه دشمن متجاوز قرار دهند. چرا، به چه دليل و به چه حقي؟

ا.م. شيري

۲۳ شهريور- سنبله ۱۴۰۰

منبع:

<https://www.fondsk.ru/news/2021/09/10/afganskije-tajny-54429.html>